

ویژه اول رمضان الکریم
چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۰

ماہنامہ سیرالکلبینگر



روز شمار مهمانی ماه خوب خدا



روزشمار مهمانی ماه خوب خدا

صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: عادل تقوی
سردبیر: پویا پایداری
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللہی
خطاط: استاد سید محمد جاویدان
توصیہ های اخلاقی: آیت الله محسن غرویان
تفسیر قرآن: پویا پایداری
مروری بر نهج البلاغہ: فرزانه بزرگیان
برداشت فلسفی: حمید امیدی
انتخاب اشعار: احمد راهداری
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی
داستان کوتاه: حسین رهاد
معرفی کتاب: بهاره راد
انتخاب موسیقی: سمانہ عنبری
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی
و پوریا جوادی

نشانی : خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:
www.roytab.ir



وَنَجِّنِيكَرْنُومِنْهُمُذَالْحَافِلِينَ

عَفَاكَ

نصیحت بی‌ثمر باشد زمین گیران غفلت را نیکبیزد ره خوابیده را از خواب بیداری

صائب تبریزی



توصیه اخلاقی

آیت الله محسن غروی

رمضان ۱۴۴۲ قمری
چهارشنبه ۲۵ فروردین

فرزانه بزرگیان

مروری بر

نهج البلاغه



خطبه ۱۸۸ نهج البلاغه

امام علی علیه السلام در این خطبه میفرمایند:

شما را سفارش میکنم که به یاد مرگ باشید و از آن کمتر غفلت ورزید؛ چگونه از چیزی غفلت میکنید که او از شما غافل نیست.

انسان موجودی فراموشکار است، برای پیمایش مراحل رشد نیاز به یادآوریهای دارد که او را از مستی غفلت و غرور نجات داده و حرکت او را در مسیر تکاملش سبب ساز شود. در بیان نورانی امیر سخن، یاد مرگ ارزشمند و مرگ گذشتگان را برای عبرت گرفتن کافی می دانند:

آری آنها را به گورشان حمل کردند، بی آنکه بر مرکبی سوار باشند، آنان را در قبر فرود آوردند بی آنکه خود فرود آیند. چنان از یاد رفتند گویا از آباد کنندگان دنیا نبودند و آخرت همواره خانه شان بود... از چیزهایی که با آن مشغول بودند جدا شدند و آنجا را که سرانجامشان بود، ضایع کردند... به دنیایی انس گرفته بودند که مغرورشان کرد، به آن اطمینان داشتند، اما سرانجام مغلوبشان کرد.

بزرگترین غفلت، غفلت از خویشتن و استعدادهای درونی است. ما می توانیم آدم خوبی باشیم چرا خوب نباشیم؟ ما وجدانا می یابیم که می توانیم انسان بدی نباشیم خب پس چرا غافلیم از این استعداد؟ ماه مبارک رمضان ماهی است که ما باید به استعدادهای درونی خودمان در مسیر تکامل بیندیشیم. گاهی می بینیم کسی عینکش بر روی چشمش است اما دنبال عینک می گردد، این انسان غافل شده است؛ ما استعداد تکامل را داریم. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ» ما استعداد به خدا رسیدن، به خدا نزدیک شدن و به کمالات عالی رسیدن را داریم اما غافلیم. ما با هر چیزی شوخی می کنیم اما با خودمان نباید شوخی کنیم؛ باید خودمان رو جدی بگیریم. از وقت، عمر و استعدادمان می توانیم استفاده بکنیم و به کمالات عالی برسیم.

بیاید در ماه مبارک رمضان از خودمان غافل نشویم.

بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم زیرا دل هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند، آری آنها همان غافل ماندگان هستند.

(سوره اعراف، آیه ۱۷۹)

برخی بنیان ها جز کژی و ناراستی ثمره ای ندارد و قرآن پی در پی ویژگی هایی که مستقیما بر روی رفتار انسان در مناسبات فردی و اجتماعی اثرگذار است بیان و تفسیر می نماید

غفلت ویژگی است که روی حس تشخیص و قوه درک انسان اثر منفی می گذارد و در گذر زمان آرام آرام سلامت فکر را از او می رباید

و در این ربایش به پوچی می رسد

که چشم می بیند اما درک نمی کند

گوش می شنود اما فهم نمی کند

به گونه ای که دریچه روح به حقایق بسته شده

در این حالت انسان از جایگاه حیات حیوانی، قوای حسی اش زنده است اما قوه ی تشخیص و ادراکش مدتهاست دچار ممات شده

اگر غفلت درمان نشود یکی از عوامل تزلزل ایمان خواهد بود که استمرار غفلت، تکبر و انحراف را در پی دارد

تفسیر



پویا پایداری

"غفلت" بی خبری ست و انسان **غفلت** زده تهی شده از جان و حقیقت وجودی خویش است. غفلت نتیجه ارزیابی مغرورانه انسان از خود و جایگاه خویش در عالم هستی است. آن روز که خود را دائرمدار همه چیز تلقی کرد و با جهان فکری "نیچه" هم آوا شد که (خدا مرده است)! انسان **غفلت** زده منکر تجلی قدسی عالم است، منکر قدسیت اشیاء، مکان ها، زمان ها، اشخاص و متون **غفلت** هر چه که هست اما اقتضای وجود این جهانی انسان است، چنان که مولانا می سراید

هوشیاری این جهان را آفت است

استن این عالم ای جان "غفلت" است



حمید امیدی

برداشت فلسفی

اللهم اجعل صيامي فيه صيام الصائمين وقيامي فيه قيام القائمين ونبهني فيه عن نومة الغافلين وهب لي جرم فيديا للعالمين واغفر عني يا عافيا عن الجرمين



سفر
آئینی
صدرا عمویی

۲۹ روز باقیست به پایان مهمانی



آیین رمضانی در فین کاشان

رمضانی، از مراسم مربوط به ماه رمضان که در شبهای نیمه اول و به ویژه در شب پانزدهم این ماه برگزار می شود. مراسم رمضانی در مناطق گوناگون کشور برگزار می شود که در جزئیات اختلاف فراوان با هم دارند، اما کلیت آن بدین صورت است که پس از افطار، پسرهای جوان و نوجوان با هماهنگی قبلی، در مکانی از آبادی جمع می شوند و از میان خود رهبر یا میان دار، و یک صندوق دار انتخاب می کنند و به صورت گروهی منسجم به در خانه ها می روند. میان دار اشعاری می خواند و اعضای گروه با تکرار برخی از بیت ها، او را همراهی می کنند و خواستار فیض از صاحب خانه می شوند. درباره سبب شکل گیری رسم رمضانی، باوری در میان مردم فین کاشان وجود دارد که بر اساس آن، این رسم ریشه در زمان پیغمبر اسلام (ص) دارد.

به باور آن ها، امام حسن و امام حسین (ع) هر سال در شب ۱۵ ماه رمضان نزد جد خود، پیغمبر (ص) می رفتند و سوره شمس را با آهنگی خوش می خواندند و در پایان، برای پیامبر، پدر خود و همه مسلمانان دعا می کردند. پیامبر (ص) نیز برای خوشحالی و تشویق نوه های خود مقداری خوراکی به آن ها می داد. به باور مردم فین، رسم رمضانی یا هومبابایی در گرمای داشت این خاطره برگزار می شود.

من بچه سال بودم پدری داشتم که اهل دین و اهل توجهات متعارف مردم به مسائل اعتقادی بود اما اینکه بگویم با سواد بود و فلان مراتب را طی کرده بود خیرا اما تجربه خوب زندگی داشت. همیشه من این را از او می شنیدم که «یک زمان غافل شدم صد سال راهم دور شد». در نفی غفلت هر موقع می خواست کلامی عبرت آمیز بگوید یا می خواست آهی نسبت به گذشته بکشد و دریغ و افسوس خودش را بیان کند می گفت: «یک زمان غافل شدم صد سال راهم دور شد».

گذشت... یادم است ۴۵ ساله بودم، دوستانی داشتم در شارع (خیابان) علی ابن ابیطالب در شهر مدینه النبی. ایام حج یا ایام عمره ایرانی ها زیاد به شارع علی ابن ابیطالب می روند. من هم این توفیق رو داشتم که سال های متعددی به این سفر معنوی چند نوبت بروم. دوستان افغانی ای داشتم به نام آقای خراسانی، این ها برادر و اهالی کابل بودند و به آنجا مهاجرت کرده بودند و زندگی می کردند. یکی از آن ها طبیب (پزشک داروساز) بود اما آنجا مغازه پارچه فروشی و این ها داشتند و یکی از آن ها نیز از هم رزمان احمدشاه مسعود و در گذشته در افغانستان و کابل استاد دانشگاه بود. گاهی اوقات من را میدیدند رفاقتم با آنها سر همین موضوع که آن ها من را می شناختند شروع شد. یک روز در مغازه شان نشسته بودیم داشتیم بیدل میخواندیم، شعر فارسی میخواندیم، صائب میخواندیم، کلیم کاشانی میخواندیم. برادر بزرگتر که ما به او حاج آقای استاد می گفتیم برگشت و این بیت را به یک شکل دیگر خواند. من هم هنوز نمیدانم این بیت از کیست: رفتم که خار از پا کنم محمل نهان شد از نظر با کاروان بوده مسیر را پیاده دنبال کاروان میروم تا به مقصد برسد؛ این را حاج آقا می خواند:

«رفتم که خار از پا کنم محمل نهان شد از نظر» یک لحظه غافل گشتم و صد سال راهم دور شد»

میزان فرمان انسان در روز اول ماه مبارک رمضان در این دعا نکته ای به چشم می خورد که چشم بنده آب نمی خورد؛ کسی چشمش به آن خورده باشد.

بله؛ در دعای فوق آمده که خدایا! روزه مرا در این روز مانند روزه داران حقیقی ات - زیر کلمه حقیقی خط می کشم - و اقامه نمازم را مانند نماز گزاران واقعی ات - زیر کلمه واقعی خط می کشم - که مقبول تو هستند؛ قرار بده....

حالا چرا زیر کلمات حقیقی و واقعی خط کشیدم؟ به این خاطر که بگویم این دعا با زبان بی زبانی می خواهد بگوید:

«آهای ایها الناس و بندگان معمولا دودره باز... لطفا هر کسی را دور می زنید سرجدتان؛ اوستاکریم را دیگر بی خیال شوید و حداقل با روزه و نماز برایش فیلم بازی نکنید و این یک قلم جنس را بینی بین الله بی غل و غش ادا نمایید»

مخلص کلام؛ هر کسی فکر می کند خیلی تیز است؛ مثل کبکی است که سرش زیر برف است به خیال اینکه کسی او را نمی بیند! باز هم زیر کلمه «خیال» خط می کشم و از خدا می خواهم ما را از این خواب و از آن رویای احساس تیزی کردن بیدار نماید و ما را غلفتی ببخشد؛ از این همه غفلت.... الهی آمین



گفتگو

سپیل محمودی



میزان

فرمان انسان

فرزین

پور محبی

خدایا روزه ام را در این ماه روزه داران قرار ده، و شب زنده داری ام را شب زنده داران، و بیدارم کن در آن از خواب بی خبران، و ببخش گناهم را در آن ای معبود جهانیان، و از من در گذر، ای در گذرنده از گنه کاران.

گردآوری:

ارشیا عبدی



از دیدگاه شما

❖ غفلت یعنی انسان نسبت به سرنوشت خودش بی توجه باشه؛ نعمت های اطرافش رو فراموش کنه ...

❖ غفلت کردن از یک سری آدم ها و کارها باعث میشه به سمت جلو حرکت کنیم

❖ غفلت یعنی چشم هات رو به روی چیزی که داری ببندی و به نداشته هات فکر کنی

❖ شاگرد مدرسه ای که بودم، اکثر موقع درس دادن معلم ها حواسم رو به همه جا پرت می کردم و طوری ذهنم مشغول گنجشک های توی حیاط مدرسه، درختای لرزان توی باد و حتی بچه هایی که مشغول بازی بودند می شد و مرغ خیالم به هر جا پرواز می کرد که از خودم غافل می شدم و با صدای خط کش معلم تازه به خودم میومدم. خدایا میخوام بگم نکنه ساعت کلاس زندگیمون تموم بشه و قافله ای عمرمون تو جهالت بگذره... لطفا مثل اون معلم های خوب، خودت آروم بکوب روی میز و ما رو به خودمون بیار تا قافله ای عمرمون به جهالت نگذره.

❖ برای خیلی از ماها غفلت به معنای از دست دادن تلقی میشه، اما به شخصه غفلت از خود، برای من نقش پررنگ-تری داشت به نحوی که بعد از پیدا کردن خودم احساس بهتری نسبت به اطرافم داشتم

❖ به نظرم بزرگترین غفلت آدم ها از مرگه...

❖ قطار زندگی در حرکت است، چه سوار بشوی یا نشوی، آن می رود و غفلت از آن قابل جبران نیست!

حسین رهاد



داستان

کوتاه

اشرف ظرف تخم مرغ را جلوی حسن کله گذاشت و مثل گوشه ای کاغذی لاخورده که منتظر است تا دستت را از رویش برداری تا به جای اولش برگردد، بدو به طبقه پایین رفت. وسط راه یادش افتاد که قرص های حسن را به او نداده. کمی بال و دهنش ور رفت و با خودش گفت: «گور باباش. امروز رو بی خیالش...» شروع به زمزمه ای ترانه ای «شاه صنم» کرد و رفت سر وقت گوسفندها. وسط طویله دید که بز سیاه شان زور می کند تا بزیاید. اشرف فریاد کشید: «عباس هوی عباس». عباس هنی و هنی کرد و چشم هاش را مالید. زیر لب چند فحش نثار اشرف کرد و از جا پا شد. کپ کرد و درجا خشکش زد. حسن کله وسط گل قالی را قهوه ای کرده بود.



بهاره راد

معرفی کتاب



کتاب غفلت و رسانه های فراگیر

کتاب غفلت و رسانه های فراگیر شامل مجموعه مقالاتی از نویسندگان و منتقد معاصر یوسفعلی میرشکاک، پیرامون مسائلی چون، فرهنگ، سینما، رسانه و آزادی، بررسی و نقد آثار اخوان ثالث، اوستا، جلال آل احمد و شهریار به همراه خاطراتی از آنها است چند مقاله اول این مجموعه، کم و بیش مرتبط با یکدیگرند و هر کدام برگه ای از مشغولیات ذهنی نویسنده را نمایش می دهد در بخشی از کتاب اینچنین می گوید: (سعی من دعوت به عبور از ناخودآگاهی نیست، چراکه نه بشر امروز اهل اجابت هیچ دعوتی است - جز آنچه نفس اماره فردی و جمعی به آن دعوت می کنند - و نه عبور از ناخودآگاهی به سعی و عمل میسر می شود.) او با تذکر به کنش پذیری بشر امروز از همه چیز، تلاش مختصری دارد تا اقلا انسان به گفت و گوی با خود دچار شود. که نتیجه این گفتگو منجر به آگاهی یا مرگ آگاهی است. شاید در پس آن ستاره ای از گوشه ای بیرون آید و راه بیرون شدن از ناخودآگاهی را نشان دهد.

نویسنده در مقاله ای با عنوان خود کتاب می گوید: (غفلت نه در وزارت رسانه ها، بلکه در ذات بشری است که آنها را به خدمت نشر جعل و جهل و مجعول و مجعول گرفته است. و در جایی دیگر عامل تأثیر پیام را رسانه های دیداری می داند. و...) اما زبان مقاله ها تا حدی ثقیل و سنگین است و مخاطب خاص خود را می طلبد تا حد امکان به درک و مهم آن نایل بیاید.

